چهره‌ها

امریکا بیش از ما به ادامه مذاکرات نیاز دارد

ما در حال حاضر مشغول جنگ مذاکره هستیم و بلاشک امریکا و اوباما بیش از ما به ادامه این مذاکرات نیاز دارند.

محمدحسین شیخ‌الاسلام کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با فارس، درباره اظهارنظر یک مقام امریکایی مبنی بر اینکه در صورت عدم‌سازش ایران، ما مذاکرات را قطع خواهیم کرد، اظهار داشت: بلاشک امریکا و اوباما بیش از ما به این مذاکرات نیاز دارند چراکه اوباما در سیاست خارجی خود موفقیتی نداشته است.

این کارشناس مسائل بین‌الملل با اشاره به شکست امریکا در قضیه سوریه افزود: آنها می‌خواستند بشاراسد را ساقط کنند که ملت سوریه با رأی به بشاراسد میخ آخر را به تابوت امریکا زد. وی با اشاره به شکست طرح‌های امریکا در منطقه از جمله عراق خاطرنشان کرد: تنها جایی که آنها می‌توانند کارنامه موفقی نشان دهند این است که به زعم خود با ایران توافق کنند که منجر به کنترل برنامه غنی‌سازی ایران شود در حالی که آنها همزمان با چین و روسیه نیز درگیر هستند. این کارشناس مسائل بین‌الملل گفت: تیم مذاکره‌کننده با چنین موجودات خبیثی در حال مذاکره است که ماهیت‌شان در حال حاضر تغییر نکرده بلکه نیازهایشان تغییر کرده است، لذا ما مشغول جنگ مذاکره هستیم که از این رو هرگونه کوتاهی طرف مقابل را جری خواهد کرد.

دوران زورگویی امریکایی‌ها گذشته است

ایران از مواضع خود عقب‌نشینی نکند و به فکر سازش نباشد چرا که دوران زورگویی امریکایی‌ها گذشته است.

ابوالفضل ابوترابی نماینده مردم نجف‌آباد در مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون حقوقی قضایی خانه ملت در گفت‌وگو با فارس در واکنش به اظهارنظر یک مقام ارشد امریکایی مبنی بر اینکه، قدرت‌های غربی ممکن است در ماه جاری مذاکرات هسته‌ای را قطع کنند، اظهار داشت: امریکایی‌ها باید بدانند که امروز دیگر دوران زور گذشته است.

وی افزود: رهبر معظم انقلاب بارها نسبت به فریبکاری امریکایی‌ها هشدار داده بودند، ایشان گفته بودند که نمی‌توان به امریکایی‌ها اعتماد کرد و قطع مذاکره از سوی آنها بار دیگر حقانیت جمهوری اسلامی ایران را اثبات خواهد کرد.

نماینده نجف‌آباد با تأکید بر اینکه دیگر دوران زور گذشته است، تصریح کرد: اکنون زمان رجوع به قانون و حرکت در راستای قواعد بین‌المللی است. ابوترابی با بیان اینکه امریکایی‌ها به جای جوسازی رسانه‌ای، حق استفاده ایران از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را بپذیرند، خاطرنشان کرد: مجلس شورای اسلامی نیز همانند سایر نهادها و همراه با مردم بر لزوم استفاده کشورمان از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای تأکید دارد.

گزارش

محمد اسماعیلی

گزارشی از عملیات رسانه‌ای روزنامه‌های زنجیره‌ای

زنجیره مظلوم‌نمایی براندازان بافته شد

تیترهای نخست روزنامه‌های زنجیره‌ای در روز گذشته به این موضوع اختصاص داشت: «پروژه جدید برای مخالفت با حامیان دولت، خاتمی را ممنوع‌البیان کنید»، «خاتمی را آنگونه که هست ببینید»، «تأکید ۱۰ نماینده بر ممنوع‌التصویری و ممنوع‌الخروجی و ممنوع‌البیانی خاتمی»، «خاتمی ممنوع»، «چرا از بیان می‌هراسید»، «اجرای ممنوع‌الخروجی و ممنوع‌البیانی خاتمی» «جوسازی اقلیت مجلس علیه دولت و خاتمی»، «جلوی صداوسیمای خاتمی را بگیرید» و «ترس از خاتمی.»

اینها تنها بخشی از تیترهایی است که روزنامه‌های جریان تجدیدنظرطلب در آن ضمن حمایت از محمد خاتمی رئیس‌جمهور سابق کشورمان، سعی داشته‌اند تا از خاتمی چهره‌ای مظلوم که هر روز با تخریب و تخطئه مواجه می‌شود ارائه شود. این جریان به هم پیوسته رسانه‌ای همچنین با تطهیر چهره رئیس بنیاد باران وانمود می‌کند که خاتمی به هیچ عنوان دیگر به کار سیاسی به صورت اخص برنمی‌گردد و تنها سرگرم امور روزانه‌ای است که یک طلبه انجام می‌دهد، به عنوان نمونه روزنامه شرق با توصیف شرایط امروز خاتمی با گزینش واژگانی خاص می‌نویسد: «... سیدمحمد خاتمی این روزها در ساختمانی قدیمی در سه‌راه یاسر است، آهسته و پیوسته می‌آید و به تازگی تأکید کرده که به‌هیچ‌روی قصد بازگشت به قدرت را ندارد اما هرچه باشد ساختمان سه‌راه یاسر در تمام این سال‌ها، گویی قلب جریان اصلاح‌طلب بوده و محل دیدارهای مکرر اما گروهی حتی حاضر به تحمل این مقدار هم برای کسی که هشت‌سال رئیس‌جمهوری ایران بوده، نیستند و به صراحت، خواهان پایان هرگونه دید و بازدید خاتمی و نیروهای سیاسی حامی وی هستند... در ساختمان سه‌راه یاسر به‌روی همه باز است، چه آنان که از گوشه‌وکنار ایران برای دیدار و طرح برخی مباحث و مشورت‌گیری به دفتر رئیس‌جمهور پیشین می‌آیند و چه آنان که می‌خواهند سیدمحمد خاتمی، صیغه عقدشان را بخواند اما همین رفت‌وآمدهای اندک هم، خوشایند برخی نیست...»

در حالی این روزنامه‌ها تظاهر می‌کنند که خاتمی دیگر مثل گذشته به حوزه سیاست و قدرت باز نمی‌گردد که خبرهای بسیاری تأکید می‌کنند تشکل متبوع وی - مجمع سیاسی روحانیون مبارز- هر هفته و گاه چند روزی در میان جلسات ویژه برای بازگشت آرام و خزنده اما بدون هزینه جریان تجدیدنظرطلب به نظام و حاکمیت را تئوریزه و ساماندهی می‌کنند؛ جلساتی که یکی از برنامه‌های خاص آن، سخنرانی‌های متعدد و پرحجم خاتمی و در پی آن انعکاس گسترده این سخنرانی‌ها در روزنامه‌های زنجیره‌ای دوم خرداد با هدف «بازگرداندن رهبران غائله ۸۸ و تطهیر چهره شخص خاتمی» صورت می‌گیرد، البته منزه کردن چهره سیاسی خاتمی به چهار سال قبل بازمی‌گردد؛ آنجایی که خاتمی پس از ناکام شدن وی و همفکرانش در براندازی نظام در فتنه ۸۸ رو به بیان مواضع نرم و همسو با گفتمان انقلاب اسلامی آورد و در مراحلی از یک نقشه تعیین‌شده، شرکت در انتخابات هشتم مجلس در یکی از مناطق دماوند را رقم زد و چند هفته پس از آن به دفاع ظاهری از ولایت فقیه و تأکید بر عدم‌تقلب در انتخابات دهم ریاست جمهوری پرداخت.

اگر مواضع و تحرکات خاتمی از ابتدای سال ۸۹ تاکنون مورد بررسی قرار گیرد به راحتی می‌توان گفت خاتمی به صورتی هوشمندانه و گام به گام سعی داشته از «رهبر فتنه» خود را به «چهره مظلوم و آرام که حامی نظام و رهبری و انقلاب» است تبدیل کند و این در حالی است که امروز پس از گذشت پنج سال از بزرگ‌ترین غائله ۳۵ ساله انقلاب جماعتی در تلاشند تا با فریب افکار عمومی از وی چهره گریم‌شده‌اش را به نمایش بگذارند و وانمود کنند که خاتمی با دوری از سیاست و قدرت گوشه عزلت و تنهایی اختیار کرده است.

یکی دیگر از این روزنامه‌ها به صراحت از این پروژه پرده برمی‌دارد و می‌نویسد: «... آن زمان که سیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهوری اسبق کشورمان، با چهره‌ای خندان مجموعه پاستور را به محمود احمدی‌نژاد، رئیس دولت نهم تحویل می‌داد، شاید کسی گمان نمی‌کرد چند سال بعد تصویر و سخنان خاتمی از رسانه‌ها حذف شود. پس از انتخابات سال ۸۸ این روند تشدید و به رویه رسمی در رسانه‌ها تبدیل شد، حتی اگر روزنامه و رسانه‌ای هم عکس یا نامی از او می‌برد، چندی بعد برخوردی با آن صورت می‌گرفت، مانند ماهنامه نسیم بیداری که گرفتار چنین مسئله‌ای شد اما با روی کار آمدن دولت روحانی و صحبت از رویکردی اعتدالی انتظارها به سمتی رفت که دیگر پروژه خاتمی‌زدایی از رسانه‌ها متوقف شود. اتفاقاً آنچه انتظار می‌رفت هم رخ داد و خاتمی دوباره به رسانه‌ها برگشت. او که در دولت گذشته حتی پیام‌های تسلیتش هم در رسانه‌ها کار نمی‌شد، امروز در مکان‌های مختلف سخنرانی می‌کند و طیف‌های مختلف مردم از جمله سیاسیون در پی باز شدن فضا، دیدارهایی را با او ترتیب می‌دهند. بنا به گفته مسئولان هیچ حکم قضایی یا دستورالعملی برای حذف تصویر و سخنان خاتمی از صدا و سیما وجود ندارد اما این مسئله زمانی خبرساز شد که سیدمحمد خاتمی در سال گذشته از تصمیمش برای شرکت در مراسم تدفین نلسون ماندلا، رهبر مبارزه با آپارتاید خبر داد و در نهایت از خروج از کشور بازماند.»

■ **خاتمی؛ پیشقراول سناریوی «تطهیر اصلاحات»**

همانطور که اشاره شد یکی از افرادی که به شدت در طول ماه‌های اخیر تلاش داشته چهره‌ای نو از خود به نمایش بگذارد، محمدخاتمی است؛ فردی که یکی از رهبران فتنه سال ۸۸ بود و در کنار سایر همفکرانش هزینه‌های زیادی را به نظام و مردم تحمیل کرد.

رئیس دولت اصلاحات در حالی هیچ‌گاه از ملت برای تصمیم و اجرایی کردن «راهبرد براندازی نظام» عذرخواهی نکرده که به صراحت در نشستی با برخی از جوانان اصلاح‌طلب در سال ۹۱ اعلام می‌کند: «در انتخابات سال ۸۸ تقلبی صورت نگرفته است.»

وی که با روی کار آمدن دولت یازدهم فعالیت‌های سیاسی- رسانه‌ای خود را گسترده نموده، با سخنرانی‌های پرتعداد و حجیم درصدد «تطهیر و ترمیم چهره اصلاحات» و به تبع آن «زمینه‌سازی برای بازگشت رسمی این طیف به حاکمیت» است.

خاتمی اواخر فروردین امسال در هفتادوپنجمین نشست ماهانه بنیاد باران اظهارات جالب و قابل توجهی را بیان می‌کند که نشان‌دهنده حرکت گام‌به‌گام تجدیدنظرطلبان برای بازگشت بدون هزینه به قدرت است.

وی در سخنرانی خود با اشاره به دیدگاه حضرت امام درباره جمهوریت بیان می‌کند: «جمهوریت یک اصل بود و بنده عرض می‌کنم ما به‌عنوان کسانی که دلبسته به این انقلاب و اسلام هستیم با همه وجود از جمهوریت نظام دفاع می‌کنیم...» رئیس بنیاد باران در بخش دیگری از سخنان خود بدون اشاره به اقدامات براندازانه جریان دوم خرداد در سال ۷۸ و ۸۸ اظهار می‌کند: «اگر خدای‌نکرده جمهوری اسلامی را از دست دهیم، وضعیت خیلی سیاهی خواهیم داشت و باید بدانیم که ما نمی‌توانیم این انقلاب با آن عظمتش را فراموش کنیم، زیرا مبدأ هویت تاریخی ماست.»

در ادامه خاتمی پا را فراتر از تطهیر خود و جریان دوم‌خرداد گذاشته و با جمله‌ای عجیب عنوان می‌کند: «ما انقلابی هستیم، مهم نیست دیگران ما را چه می‌نامند. انقلابی که ما می‌گوییم و می‌فهمیم منجر به نظام جمهوری اسلامی شد و امروز هم باید از آن دفاع کنیم.»

■ **خاتمی، مدافع رهبری!**

رئیس دولت اصلاحات در ادامه تحرکات پرحجم خود اخیراً در جمع خانواده شهدای شهر اردکان یزد با ادبیات تعجب‌برانگیز که ۱۸۰ درجه مخالف عملکرد وی در غائله سال ۸۸ است، بیان می‌کند: «انقلاب که قبل از ۱۵ خرداد آغاز شد، ۱۵ خرداد یکی از اوج‌های بزرگش را طی کرد و مردم حضور همه‌جانبه خودشان را با نثار جان نشان دادند و رهبری حضرت امام با خون مردم همراه با عشق آنان تثبیت شد.»

وی تأکید کرد: «این رهبری برخاسته از جان ملت است، رهبری قراردادی نیست که تصمیم بگیریم فلانی رئیس‌جمهور باشد یا مثلاً مسئول باشد. در آن زمان که پذیرش رهبری امام هزینه‌های سنگینی داشت و بسیاری از شخصیت‌های ما در تبعید و زندان بودند و هر کس که از انقلاب و امام دفاع می‌کرد هزینه سنگینی می‌پرداخت، مردم ما رهبری امام را پذیرفتند.»

■ **مهم‌ترین اهداف**

اما مهم‌ترین هدف‌های مقطعی جریان دگراندیش برای بازگشت رسمی به قدرت از سوی خاتمی و همفکرانش- در طول هفته‌های اخیر- را می‌توان اینگونه شرح داد:

۱- خداحافظی غیرمنتظره و تصنعی خاتمی با اهدافی نظیر «انسداد رویکرد نقادانه طیف دلسوز انقلاب نسبت به کارنامه خاتمی و تحرکات کنونی وی» و «ایجاد حصار رسانه‌ای و تبلیغاتی در مقابل منتقدان فتنه ۸۸» مورد توجه قرار گرفت و اقدام برخی از نمایندگان در جهت ممنوع‌التصویر شدن وی خود به خود نشان داد که خداحافظی خاتمی نتوانسته این هدف را محقق کند و واکنش عصبی و هدفمند روزنامه‌های دوم‌خردادی نشان گرفته از این موضوع هم می‌تواند به شمار آید.

۲- مؤلفه دیگری که به زعم دوم‌خردادی‌ها می‌تواند در بازگشت تجدیدنظرطلبان به اریکه قدرت بسیار مؤثر باشد «مواضع معتدل، پرتعداد و همسو با گفتمان انقلاب» از سوی پدرخوانده‌های این جریان است، آن هم به شکلی که برای جامعه باورپذیر شود که هواخواهان لیبرالیسم در داخل به فکر نظام، دستاوردهای آن و آینده مردم هم هستند، البته رویکرد مورد اشاره از تیرماه سال ۸۹ و با بیانیه مجمع روحانیون در محکوم کردن سیاست‌های غربی در مقابل منافقین رسماً آغاز به کار کرد و با روی کار آمدن دولت یازدهم شکل پردامنه و فزاینده‌ای به خود گرفته است و همانطور که مصادیق آن ذکر شد «انقلابی نشان دادن خود» و «حمایت از رهبری» جزء لاینفک سخنرانی‌های خاتمی بوده که با همین هدف بیان شده است.

یادداشت | کبری آسوپار

مذاکرات دشمن را دوست نمی‌کند

روزی که بیلبوردهای کم‌تعداد ضدامریکایی از سطح شهر تهران جمع‌آوری شد؛ روزهایی که تلاش شد تا با کمک نقل مغشوش خاطرات، «مرگ بر امریکا» از شعارهای ایرانی حذف شود؛ روزی که رئیس‌جمهور امریکا باهوش و مؤدب لقب گرفت؛ روزهایی که هر سطحی از مخالفت با برقراری رابطه با امریکا تندروی و افراط لقب گرفت؛ این شبهه پررنگ در ذهن آمد که آیا نشستن پای میز مذاکرات دوجانبه با امریکا و حتی تماس تلفنی دو رئیس‌جمهور یعنی که زین‌پس باید شیطان بزرگ را کشور دوست و برادر بخوانیم؟ یا آنکه امریکا همچنان دشمن ماست، اما ترجیح داده‌ایم کمی روش برخورد با این دشمن بزرگ را تغییر دهیم؟ این پرسش‌ها گرچه مصداقی است و حول روابط جمهوری اسلامی و ایالات‌متحده و شاید در نهایت روابط ایران و غرب می‌چرخد، اما در بطن خود و با قیاس این رابطه و واکنش‌های پیرامون آن با سیره امام حسن مجتبی(ع) و نیز حضرت امام خمینی(ره) (که به دلیل صلح با معاویه و قبول قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل بسیار مورد اشاره هستند) می‌تواند ما را به یک مفهوم و قانون کلی در بحث دشمن‌شناسی برساند، گرچه حتی در چارچوب همین مصداق مشخص نیز پاسخ به سؤالات مطرح شده، راهگشا خواهد بود، به خصوص که آخرین سخنرانی آقا که در دیدار با اساتید دانشگاهی انجام شد نیز خالی از اشاره ایشان بدین موضوع نبود.

حضرتشان در آن سخنان می‌فرمایند: «بعضی‌ها روی کلمه دشمن حساسیت دارند، به ما اعتراض می‌کنند که چرا مدام می‌گویید دشمن، دشمن، درحالی‌که شما قرآن [را] ملاحظه کنید، می‌بینید اول تا آخر قرآن چقدر تکرار شده عنوان «شیطان»، عنوان «ابلیس»، مکرر گفته شده، مکرر تکرار شده. از دشمن که نباید غفلت کرد. دشمن‌دانستن دشمن که عیب نیست، اینکه ما روی دشمن مدام تکیه می‌کنیم، معنایش این نیست که از عیوب خودمان و مشکلات درونی خودمان غافلیم؛ نه، أعدی عَدُوک نَفسُک التی بَینَ جَنبَیک؛ از همه دشمن‌ها بدتر، دشمن درونی ماست، دشمن خود ماست، نفس راحت‌طلب ماست، تنبلی ماست، تن‌آسایی ماست، عدم‌تدبیر ما در پیشبرد امورمان [است] - اینکه معلوم است - اینها به جای خود محفوظ اما غفلت از دشمن بیرونی، خطای راهبردی عظیمی است که ما را دچار خسارت خواهد کرد. خب، باید دشمن را شناخت، دید- حالا [اینکه] شما می‌گویید برخوردمان با دشمن این‌جور باشد، آن‌جور نباشد، بحث دیگری است - دشمنی او را باید فهمید، نقشه او را باید تشخیص داد.»

شناخت دشمن و باور داشتن به اینکه او خیرخواه ما نیست، قدم آغازین است و اینکه بدانیم او غیر آنکه تنها به تأمین منافع خویش می‌اندیشد، باید قریب به یقین، محتمل دانست که درصدد وارد کردن ضربه به ماست. با دشمن می‌توان مذاکره کرد، دست داد، حتی گفت و خندید، حتی‌تر پیمان‌نامه آتش بس امضا کرد اما نمی‌توان او را دشمن ندانست و از توده‌های ملت نیز خواست که با او دشمنانه برخورد نکنند. همان روزها و حتی هم اینک نیز که مذاکرات وین در جریان است، کوشیده شد تا هر گونه برقراری ارتباط با امریکا با ارجاعی تاریخی به ماجرای صلح امام حسن(ع) با معاویه وجه شرعی و عقلی بیابد. صرف نظر از آنکه شرایط اجتماعی و سیاسی این سال‌های جمهوری اسلامی با حجم عظیم نیروی انسانی و تسلیحات نظامی، کمترین وجه شبه با دوران تنهایی و بی‌یاری امام حسن(ع) ندارد، اما حتی اگر بخواهیم شرایط کنونی را همچون همان دوران بدانیم، باید توجه داشته باشیم که صلح با معاویه نیز موجب عدم‌رفتار دشمنانه با وی نشد و حضرت بارها در سخنانی طینت بد وی و سابقه منفی او و پدرش را متذکر شد، نه آنکه با او دوستانه برخورد کند و پیروانش را نیز از ابراز دشمنی با وی بر حذر دارد. مخلص کلام اینکه امضای قرارداد با دشمن و ایجاد ارتباط با وی، او را دوست نمی‌کند، او همچنان دشمنی است که بنا بر مصلحت ترجیح داده شده که با او رفتاری جدید در پی گرفته شود. از همین رو است که امضای صلح با معاویه، هیچگونه شادی و تبریکی برای امام(ع) و یاران کم‌تعدادش در پی ندارد.

امام خمینی نیز زمانی که مطابق شرایط به وجود آمده، قطعنامه آتش‌بس با عراق را امضا نمودند، نه آن را فتح‌الفتوح نامیدند و نه بابت آن تبریکی گفتند و شنیدند، رژیم بعث عراق هم همچنان در ادبیات حضرت امام همان جنایتکاران ماندند و حضرتشان قبول قطعنامه را تعبیر به نوشیدن اجباری جام زهر کردند، نه آنکه آن را تسلیم قدرت‌های بزرگ در برابر ایران بنامند!

می‌توان در برابر دشمن، روش‌های مختلف داشت، در برابر عقب‌نشینی او، عقب نشست اما نمی‌توان دشمنی دشمن را ندید، نمی‌توان مردم را از دشمنی با دشمن منصرف کرد یا حتی تلاش کرد که چهره‌ای بزک‌شده از دشمن ارائه شود! نمی‌توان فریب چند لبخند و امضای نه چندان حامی منافع ما را خورد و فکر کرد که همه آن فراز و نشیب‌های پر از حیله و نیرنگ، به یک باره رخت بربسته و از پس کودتا علیه دولت قانونی مردم ایران و سال‌ها توطئه سیاسی و نظامی و جاسوسی سفارتخانه و حمله از طبس و تحریم‌های اقتصادی و نفتی و تروریسم و حمله به هواپیمای مسافربری و غیره و غیره، حالا شیطان بزرگ تبدیل به کشور دوست و برادر شده است و نباید کسی علیه وی موضع بگیرد! مذاکره با دشمن تنها یک تغییر روش در نبرد با اوست و نه اینکه دشمن را تبدیل به دوست کرده باشد.

گزیده خبر

دولت نباید نظر امریکایی‌ها را درباره تغییر نماینده ایران در سازمان ملل بپذیرد

امریکایی‌ها نمی‌توانند بر سازمان ملل اعمال نظر کنند و اگر دولت نماینده خود را تغییر دهد، یعنی رسماً تخلف امریکایی‌ها را پذیرفته است.

به گزارش تسنیم، سیدحسین نقوی‌حسینی در خصوص ادعای رسانه‌های غربی مبنی براینکه رئیس‌جمهور ایران در حال بررسی معرفی «محمد نهاوندیان» رئیس دفتر خود، به عنوان نماینده جدید ایران در سازمان ملل است، اظهار داشت: سازمان ملل متحد در محدوده فعالیت خودش مهمان خاک امریکاست اما برای تردد، پذیرش و پایان کار نمایندگان کشورها تابع مقرراتی است با عنوان مقررات مقر. وی ادامه داد: همه کشورها از جمله کشور امریکا که میزبان سازمان ملل متحد هستند، موظفند مقررات مقر را رعایت کنند، بنابراین امریکایی‌ها نمی‌توانند به عنوان کشوری که سازمان ملل در خاک آنها قرار دارد، در امور داخلی و قوانین سازمان ملل متحد دخالت یا دخل و تصرف کنند.

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس افزود: انتخاب سفرا و نمایندگان کشورها نیز مطابق مقررات مقر صورت می‌گیرد، یعنی فرد انتخاب و به سازمان ملل متحد معرفی می‌شود و امریکایی‌ها موظف هستند برای نمایندگان کشورها ویزا صادر کنند و آن فرد به سازمان ملل متحد منتقل شود. نقوی‌حسینی با اشاره به معرفی ابوطالبی به عنوان نماینده ایران در سازمان ملل متحد گفت: در مورد معرفی آقای ابوطالبی امریکا اقدام تأسیسی کرد، یعنی ما در گذشته با چنین پدیده‌ای روبه‌رو نبودیم که برای نماینده رسمی معرفی شده از طرف یک عضو سازمان ملل متحد ویزا صادر نکنند زیرا به امریکایی‌ها ارتباطی ندارد و بخشی که سازمان در آن مستقر است، سرزمین سازمان ملل محسوب می‌شود و همه کشورها عضو آن سازمان هستند و امریکایی‌ها نمی‌توانند بر آنجا اعمال نظر کنند. وی تصریح کرد: بنابر همه این دلایل، امریکایی‌ها خلاف مقررات عمل کرده‌اند و جمهوری اسلامی ایران نباید این تخلف را بپذیرد چراکه اگر دولت نماینده خود را تغییر دهد، یعنی رسماً تخلف امریکایی‌ها را پذیرفته است. پس از این به بعد امریکایی‌ها تعیین می‌کنند که چه کسی را می‌پذیرند و چه کسی را نمی‌پذیرند. عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس تأکید کرد: دولت نباید نظر امریکایی‌ها را در خصوص تغییر نماینده ایران در سازمان ملل متحد بپذیرد و باید از سازمان ملل می‌خواست و بخواهد که مقرراتش رعایت و از حقوق اعضا دفاع شود. نقوی‌حسینی گفت: ما در گذشته به دولت توصیه کرده‌ایم بر موضوع اصولی خود بایستد.

رصد

■ **مردم‌سالاری و مفهوم بیعت**

رسالت

روزنامه رسالت در سرمقاله خود به قلم محمد انبارلویی نوشت: بحث اصلی این مقال، وجوه تمایز مردم‌سالاری دینی با دیگر دموکراسی‌های جهان نیست. بحث اصلی این است که مردم‌سالاری را از دین گرفته‌ایم یا وامدار غرب هستیم. مقام معظم رهبری معتقدند در مکتب امام (ره) موضوع مردم‌سالاری رجوع به آرای مردم و ترتیب نظامات سیاسی براساس آرای مردم در متن شریعت بوده و ما وامدار غرب نیستیم. ما اگر به متون سیاسی اسلام و منطق قرآن و سیره معصومین برگردیم، می‌بینیم آن زمان که غرب در توحش زندگی می‌کرد و در نظامات سیاسی آنها اساساً بحث مردم و رأی ملت معنا نداشت، در جهان اسلام این مفاهیم مطرح بود. مفهوم بیعت در اسلام، ما را به مفاهیم مردم‌سالاری دینی در عصر حاضر پیوند می‌دهد. «بیعت» یک اصطلاح سیاسی- حقوقی و تأسیسی است و رابطه حقوقی، اخلاقی و سیاسی خاص را بین مردم و رهبران جامعه تعریف می‌کند.

در بیعت، ما با سه رکن روبه‌رو هستیم:

۱- بیعت‌کننده (مردم)

۲- بیعت‌شونده(منتخبین مردم)

۳- موضوع بیعت (یعنی اداره جامعه براساس احکام شریعت الهی و عقلانیت اسلامی)

... بیعت در نظام سیاسی اسلام به مفهوم حقوقی آن، اختیاری است. بیعت‌کننده باید بالغ و عاقل باشد. بیعت‌شونده هم باید مشروعیت الهی داشته باشد، یعنی شرایط حاکم عادل، عالم، مدیر و مدبر و آگاه به زمان را داشته باشد.

از سیره امام علی (ع) این طور می‌فهمیم که اگر کسی واجد شرایط رهبری بود و عموم مردم با او بیعت کردند و عملاً او زمام امور را به دست گرفت، حتی کسانی که با او بیعت نکردند لازم است از او تبعیت کنند و به معارضه نپردازند.

اشکال مختلف بیعت در صدر اسلام به صورت نام نوشتن، دست دادن یا دست فرو بردن در ظرف آب توسط بیعت‌کننده و بیعت‌شونده هنگامی که بیعت‌کنندگان زن هستند، وجود داشته است.

■ **معلم زبان «مشایی» در نهاد ریاست‌جمهوری «روحانی»**

آرمان امروز

آرمان روزنامه نزدیک به هاشمی‌رفسنجانی در خبری از ادامه فعالیت آزاده اردکانی از چهره‌های نزدیک به اسفندیار رحیم‌مشایی و دولت احمدی‌نژاد در نهاد ریاست جمهوری خبر داده است. در خبر منتشره عنوان شده که خانم اردکانی هم‌اکنون در بخش آموزش نهاد ریاست‌جمهوری مشغول به کار است. این روزنامه همچنین حضور چهره‌هایی همچون آزاده اردکانی در دولت را به مثابه «زنگ خطر یا هشدار جدی» دانسته است.

«... چند روز بعد یعنی سه‌شنبه ۲۱ تیر ۱۳۹۰ نیز اردکانی بدون ارائه هیچ دلیلی از سوی سازمان میراث فرهنگی، از این سمت برکنار شد و رئیس سازمان میراث فرهنگی حکم سرپرستی داریوش اکبرزاده را برای ریاست موزه ملی ایران صادر کرد. بعد از مدتی اما شایعاتی درباره آزادی وی در رسانه‌ها پیچید، البته بعضی نیز بر این نظرند که اردکانی در پست دولتی کم‌حاشیه و بی‌اهمیتی در همین حوالی مشغول کار است؛ شغلی که پای وی را به رسانه‌ها باز نمی‌کند و او را از فضای جنجال‌برانگیز و حساسیت‌زا دور نگه می‌دارد که اکنون مشخص شد این گمانه درست بوده و او در خیابان پاستور حضور جدی دارد اما سعی دارد این حضور چنان پررنگ نباشد.»

■ **آیا فرجی‌دانا از قطار دولت پیاده خواهد شد؟**

کیهان

کیهان با طرح ادعای یک سال سیاسی‌کاری و رکود علمی این پرسش را مطرح کرده که آیا وزیر علوم در ایستگاه استیضاح پیاده می‌شود؟!

به نوشته کیهان، نمایندگانی که طرح استیضاح وزیر علوم را امضا کرده‌اند، معتقدند عملکرد یک ساله گذشته فرجی‌دانا برخلاف رسالت دانشگاه‌ها، رویکرد این وزارتخانه در راستای رشد دانش، پژوهش و فرهنگ کشور نبوده و شواهد حاکی از آن است که در وزارت علوم حاشیه‌ها بر متن غلبه داشته است. این در حالی است که جمهوری اسلامی در دفاع از وزیر و در بخشی از مطلبی با تیتر «قانون استیضاح» نوشت: این سوگند، نمایندگان را ملزم می‌کند در تمام اظهارات و اقدامات خود، علاوه بر رعایت امانت و تقوا، تأمین مصالح مردم و کشور را در نظر داشته باشند. به عبارت روشن‌تر، اگر نماینده یا نمایندگان بخواهند وزیری را استیضاح کنند و او را از ادامه فعالیت در وزارتخانه محروم نمایند، باید چنین تصمیمی را براساس تقوا و رعایت مصالح مردم بگیرند نه براساس تمایلات شخصی و منافع گروهی. وزیر علوم و تحقیقات و فناوری به تصدیق اکثریت قاطع اساتید دانشگاه‌ها که کارشناسان این امر هستند، در مدت کوتاه تصدی وزارتخانه، با تدبیر و اعتدال عمل کرده و این مجموعه را به سوی تحقق اهداف مورد نظر نظام جمهوری اسلامی در بخش علوم، تحقیقات و فناوری به پیش برده است. بهانه مخالفان این است که وزیر علوم از افراد مورد نظر آنها استفاده نکرده و افراد دیگری را به همکاری دعوت کرده است. چنین استدلالی واقعاً چیزی بیش از بهانه‌تراشی نیست، زیرا اولاً وزیر کنونی علوم، کمترین تغییر را در وزارتخانه متبوع خود ایجاد کرده و ثانیاً هیچ مدیری نمی‌تواند بدون انتخاب افراد همفکر و هم‌جهت خود، در کار مدیریت موفق باشد. اینکه عده‌ای از یک وزیر بخواهند وزارتخانه را طبق میل آنها مدیریت کند و با افراد مورد نظر آنها کار کند، نه معقول است و نه قانونی. قانون استیضاح این است که وزیر با دست باز در چارچوب قانون عمل کند و در برابر عملکرد خود و زیرمجموعه خود نیز پاسخگو باشد.